



بررسی چگونگی توزیع مولفه های خلاقیت در کتاب کار و فناوری پایه ششم

محمد احمدی بنی^۱، محمد احمدی چلچله^۲، موسی حیدری چلچله^۳

مدرس دانشگاه فرهنگیان شهرکرد؛ فوق لیسانس مدیریت آموزشی.
دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد.
دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد.

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی میزان برخورداری کتاب کار و فناوری پایه ششم در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ از مولفه های خلاقیت گیلفورد می باشد. روش تحقیق از نوع روش تحلیل محتوای کمی و کیفی می باشد. جامعه آماری کتاب کار و فناوری پایه ششم انتخاب شد و حجم نمونه نیز برابر با حجم جامعه آماری انتخاب گردید. برای انجام اینکار مولفه های خلاقیت از نظر گیلفورد به عنوان مقوله های تحلیل انتخاب گردیدند و پس از تعیین روایی و پایایی این مقوله ها، نمونه رمزگزاری گردید. پرسش های موجود در متن درس به عنوان واحد ثبت و متن کتاب به عنوان واحد زمینه انتخاب گردید و سپس با استفاده از نرم افزار maxqda یافته ها تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاکی از این بود که اکثر واحدهای تحلیل، متن و پرسش های کتاب کار و فناوری پایه ششم از نظر تناسب بین برخورداری از مولفه های خلاقیت در سطح کتاب، شرایط مطلوبی ندارد و مولفه های مربوط به خلاقیت گیلفورد به صورت هماهنگ و متناسب در سطح کتاب بررسی نشده است و به مولفه «ارزشیابی» در این کتاب به نسبت بسیار ضعیف توجه شده است. و در نهایت پیشنهادهایی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، کتاب کار و فناوری، دوره ابتدایی، مولفه های خلاقیت.

۱

مقدمه

فراگیران نگارش شود و در این زمینه ضروری است، به مسأله خلاقیت و شیوه های پرورش آن در کودکان توجه نمود. «شاید بتوان گفت که مهمترین مسأله در آموزش کودکان خلاق، استفاده از محتوای آموزشی مناسب و روش های گوناگون برای حل مسأله، مسأله یابی، خلاقیت و تفکر سازنده است».

از آنجایی که بسیاری از فیلسوفان و نظریه پردازان تعلیم و تربیت معتقدند که پرورش مهارتهای تفکر خلاق و پژوهش، درست مانند مهارت خواندن و نوشتن باید از سال های کودکی آغاز شود (آیزنر، ۱۹۹۴) و طبق گفته صافی (۱۳۸۲) که دوره ابتدایی از جمله مهمترین دوره های نظام آموزشی است؛ زیرا زمینه شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد در آن فراهم گردیده و مناسب ترین فرصت برای تحصیل و یادگیری و رشد استعداد های کودک است (صافی، ۱۳۸۲؛ به نقل از بحرینی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۳) توجه به کتب دوره ابتدایی موجه می گردد. لذا پژوهش حاضر در صدد تحقق این امر مهم است.

گلاسر معتقد است که هدف اولیه آموزش و پرورش، پرورش انسان اندیشمند، خلاق، سرزنده و با نشاط است. پژوهش حاضر نیز به یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیت یعنی کتب درسی پرداخته تا جایگاه یکی

خلاقیت و نوآوری یکی از مهمترین و اساسی ترین ویژگی های انسان است که تقریباً همه ابعاد و جنبه های زندگی او را تحت تاثیر کامل قرار می دهد. انسان، با خلاقیت می تواند خود را توانا تر کند و جهان پر تلاطم را بشناسد. از این رو خلاقیت موتور حرکت رو به سوی رشد و کمال بشر است.

با توجه به اینکه مهمترین مسئله در آموزش کودکان خلاق، استفاده از محتوای آموزشی مناسب و روش های گوناگون، مسأله یابی، پژوهش، خلاقیت و تفکر خلاق است و کتاب های درسی در زمینه ایجاد مهارتهای خلاق نقش بسزایی دارند (مارتین، ۲۰۰۴) بنابراین ضرورت دارد در محتوای کتاب درسی به آموزش مستقیم، مداوم و پرورش تفکر منطقی و کسب دانش خلاق دانش آموزان تاکید نماییم. بدین سبب نیاز توجه متون درسی به موضوع تفکر و پرورش مهارت پژوهش در دانش آموزان پررنگتر جلوه می نماید و کتاب درسی باید با رویکرد پژوهشی تدوین گردد.

رنزولی (۱۹۹۳) عوامل موثر در پرورش خلاقیت را دارای سه عنصر اصلی می داند که عبارتند از: معلم، دانش آموز و برنامه درسی. پس باید محتوای کتب درسی به تناسب رشد ذهنی عاطفی و انگیزشی